

نقش مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران

حمیدرضا صمدی‌فرد^۱، محمد نریمانی^۲، علی شیخ‌الاسلامی^۳، نیلوفر میکائیلی^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۱۲

هدف: طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران صورت پذیرفت. **روش:** این مطالعه یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه همسران شهر اردبیل در سال ۱۳۹۴ بودند که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۲۰ همسر (۶۰ زن و شوهر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مقیاس اجتناب‌شناختی سکستون و داگاس (۲۰۰۸)، مقیاس باور فراشناختی ولز و کارت رایت هاتون (۲۰۰۴) و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸) استفاده شد. داده‌های پژوهش با آزمون t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد بین طلاق عاطفی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$). همچنین بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). با توجه به ضرایب بتا واپس زنی افکار ۰/۱۶، جانشینی افکار ۰/۱۷، حواس پرتی ۰/۱۵، تبدیل تصور به فکر ۰/۳۰ و باور فراشناختی ۰/۱۶ به شکل معناداری طلاق عاطفی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران، نویسنده مسئول،

hrsamadifard@ymail.com

۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.

همسران را تبیین می‌کنند ($p < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی در زمره متغیرهای مرتبط با طلاق عاطفی بود و توانایی پیش‌بینی آن را دارند.
کلید واژه‌ها: اجتناب‌شناختی، باور فراشناختی، طلاق عاطفی همسران.

مقدمه

خانواده همچون پناهگاهی است برای فرار از کشمکش‌های زندگی روزانه، پناهگاهی که در آن توافق و هماهنگی حکم فرماست (جاویدانی، ۱۳۹۳). ثبات عاطفی و توافق بالا در بین همسران به طور قابل اعتمادی با رضایت بیشتر آنها همراه می‌باشد (دیرنفورث، کاسی، دونلان، لوکاس^۱، ۲۰۱۰). از سوی دیگر سلامت و شکوفایی خانواده به روابط مناسب همسران وابسته است. اگر پایه و اساس خانواده به اندازه کافی محکم نباشد سلامت جسمی و روانی خانواده به خطر خواهد افتاد (رستمی، طاهری، عبدی، کرمانی، ۲۰۱۴). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و به تبع آن جامعه از ثبات بیشتری برخوردار است (لعل زاده، اصغری، حصار سرخی، ۱۳۹۴). طلاق^۲ یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسایی^۳، ۲۰۱۱). علاوه بر این طلاق همسران، بر کیفیت زندگی و عملکرد فرزندان نیز تاثیر منفی می‌گذارد (کریستوفر، جیمز، آماتو^۴، ۲۰۱۴). طلاق در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری است و دلیل آن هم منسجم بودن پایه و اساس خانواده در مناطق روستایی می‌باشد (انگ و یهویی^۵، ۲۰۱۶). در خانواده‌های ایرانی وابستگی اقتصادی زنان به همسرانشان اغلب مانع طلاق رسمی بین آنها می‌شود و همین امر زمینه ساز طلاق

1. Dyrenforth, P.S., Kahsy, D.A., Donnellan, M.B. & Lucas, R.E.

2. divorce.

3. Musai, M.

4. Christopher, J.A., James C.D. & Amato, P.

5. Ang, S. & Yaohui, Z.

عاطفی^۱ را فراهم می‌کند. علاوه بر این طلاق عاطفی یکی از مشکلات جدی در ایران است که از میزان شیوع آن آمار دقیقی در دست نیست (حدّادی، توکلی، بورج، ۲۰۱۵). طلاق عاطفی پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از همسران است که اگرچه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم خانه به زندگی خود ادامه می‌دهند (اشرفی، ۱۳۸۸). نتایج تحقیق بیات مختاری (۱۳۹۲) نشان داد بین طلاق عاطفی و پیامدهای روان شناختی آن رابطه مثبت معناداری وجود دارد. صمدی فرد (۱۳۹۴) به این نتیجه رسید که بین طلاق عاطفی با کیفیت زندگی همسران رابطه منفی معناداری وجود دارد. همسرانی که طلاق عاطفی در آنها بالا باشد از کیفیت زندگی نامطلوبی برخوردار خواهند بود. لعل زاده و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از نظر آنان با شناسایی این طرحواره‌ها و اصلاح آنها می‌توان طلاق عاطفی را کاهش داد.

یکی از عواملی که می‌تواند در طلاق عاطفی موثر باشد. اجتناب شناختی^۲ است. اجتناب شناختی، انواع راهبردهای ذهنی است که بر اساس آن افراد افکار خویش را در جریان ارتباطات اجتماعی تغییر می‌دهند (سکستون و داگاس^۳، ۲۰۰۸). کلارک و مک مانوس (۲۰۰۹) معتقدند که هر فردی در برخورد با یک موقعیت اجتماعی فرضیه‌هایی درباره خود و محیطش می‌سازد. این فرضیه‌ها معیارهایی کمال‌گرایانه و سوگیرانه درباره عملکرد اجتماعی است که می‌تواند منجر به شکل‌گیری نشانه‌های جسمی و روان شناختی شود (داناهی و استویا^۴، ۲۰۱۰). یافته‌های هولوی، همبرگ، کلس^۵ (۲۰۰۶) نشان داد که اجتناب شناختی نقش اساسی در مبتلا شدن به اختلالات روانی مخصوصاً اضطراب دارد. اجتناب شناختی مانع پاسخ‌های مؤثر افراد به محرک‌های هیجانی و

1. emotional divorce.

2. avoid cognitive.

3. Sexton, K.A. & Dugas, M.J.

4. Danahy, L. & Stopa, L.

5. Holaway, R.M., Heimberg, R.G. & Coles, M.E.

جایگزینی راهبردهای مدیریت هیجان می‌شود و به همین دلیل راهبرد کارآمدی نیست (شاهار^۱، ۲۰۱۱). نتایج تحقیقات نشان داده است که بین اجتناب‌شناختی و افسردگی رابطه وجود دارد. یعنی هرچه قدر اجتناب‌شناختی بالا باشد فرد مستعد افسردگی خواهد بود (کلسی، دیکسون و لورا^۲، ۲۰۱۲). نتایج تحقیق برقی ایرانی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد که بین اجتناب‌شناختی و اضطراب اجتماعی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق دیگری نشان داد بین اجتناب‌شناختی و طلاق عاطفی با امید به زندگی همسران رابطه منفی معناداری وجود دارد (صدری دمیرچی، صمدی فرد، دریادل، حیدری راد و تقی پور، ۱۳۹۵).

متغیر دیگر پژوهش باور فراشناختی^۳ می‌باشد. باور فراشناختی یک مفهوم چند وجهی است که شامل دانش، پردازش و راهبرد‌هایی می‌شود که ارزیابی، نظارت یا کنترل شناخت را برعهده دارند (مارتینز^۴، ۲۰۰۶). فراشناخت مفهومی است که در برگیرنده باورها، فرایندها و راهبردهای است که شناخت را ارزیابی، نظارت یا کنترل می‌کند (ولز^۵، ۲۰۰۹). فراشناخت به آگاهی و نظارت بر یک افکار تعریف شده است (ایسکالا^۶، ۲۰۱۱). علاوه بر این، فراشناخت، فکر کردن درباره فرایند تفکر است (هلن، استیفن، رینهارد^۷، ۲۰۱۳). در سال‌های اخیر فراشناخت به عنوان پایه و اساس بسیاری از اختلالات روان‌شناختی در نظر گرفته شده است (محمدخانی و فرجاد، ۱۳۸۸). نتایج تحقیقات نشان داده است که نقص در فراشناخت با انواع اختلالات روانی و شخصیت مرتبط است (واس، لای سکر، فرانسیس، هام، بوک^۸ و همکاران، ۲۰۱۴، جارد، جیانکارلو، رافائل، کلی، کلی^۹ و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج تحقیقات مختلفی نشان داده

1. Shahar, B.

2. Kelsey, S., Dickson, J. & Laura, C.

3. metacognitive belief.

4. Martinez, M.E.

5. Wells, A.

6. Iiskala, T.

7. Helen, N., Steffen M. & Reinhard, P.

8. Vohs, J.L., Lysaker, P.G., Francis, M.M., Hamm, J., Buck, K.D.

9. Jared, O., Giancarlo, D., Raffaele, P, Kelly, B, Kelly, A.

است استفاده از فراشناخت درمانی در بهبود رضایت از زندگی همسران نقش دارد. نتایج تحقیق موریسون^۱ و ولز (۲۰۰۳) نشان داد فراشناخت بالا از عوامل تاثیرگذار در کاهش رضایت از زندگی افراد می‌باشد و با آموزش فراشناخت درمانی می‌توان رضایت از زندگی آنان را افزایش داد. ولی زاده، حسن ونیدی، مهربابی زاده هنرمند و افکار (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان اثربخشی فراشناخت درمانی گروهی، به این نتیجه رسیدند که آموزش فراشناخت درمانی باعث افزایش رضایت از زندگی همسران می‌شود. نتایج تحقیق دیگری نشان داد که استفاده از فراشناخت درمانی باعث بهبود کیفیت روابط و افزایش رضایت زناشویی همسران می‌شود (عاشوری، خالقی و صفاریان، ۱۳۹۳).

از آنجایی که تعداد پژوهش‌های انجام شده در رابطه با طلاق عاطفی همسران محدود است و با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی نقش باور فراشناختی و اجتناب‌شناختی را در طلاق عاطفی همسران بررسی نکرده است، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران و همچنین پیش‌بینی طلاق عاطفی آنها براساس مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی صورت پذیرفت.

روش

روش این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه همسران شهرداری بیل در سال ۱۳۹۴ بودند. با توجه به اینکه در تحقیقات توصیفی حداقل تعداد نمونه ۱۰۰ نفر می‌باشد (دلور، ۱۳۸۰)، در این پژوهش، به منظور افزایش اعتبار بیرونی، ۱۲۰ همسر (۶۰ زن و شوهر) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای انجام پژوهش، بعد از کسب مجوزهای لازم به مکان‌های کلیدی شهرداری بیل (پارکها، مکان‌های عمومی و ...) مراجعه و از همسران در دسترس برای

1. Morrison, A. P.

همکاری در پژوهش جلب رضایت شد. همچنین دامنه سنی کل آزمودنی‌ها ۱۹-۳۹ بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، از ابزارهای زیراستفاده شد:

مقیاس اجتناب‌شناختی^۱: این مقیاس توسط سکستون و داگاس در سال ۲۰۰۸ برای سنجش اجتناب‌شناختی افراد ساخته شده است. مقیاس دارای ۲۵ سوال بوده و هدف آن سنجش اجتناب‌شناختی از ابعاد مختلف واپس‌زنی افکار سوال‌های (۱۴-۶-۵-۲-۱)، جانشینی افکار سوال‌های (۲۵-۲۰-۱۷-۱۱-۴)، حواس‌پرتی سوال‌های (۲۱-۱۳-۱۲-۱۰-۸)، اجتناب از موقعیت‌ها سوال‌های (۲۲-۱۸-۱۶-۹-۷)، تبدیل‌تصور به فکر سوال‌های (۲۴-۲۳-۱۹-۱۵-۳) است. این مقیاس در یک طیف پنج‌درجه‌ای از کاملاً غلط تا کاملاً درست نمره‌گذاری می‌شود. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات با هم جمع می‌شود. دامنه نمرات مقیاس بین ۲۵ تا ۱۲۵ خواهد بود. نمره پایین نشان‌دهنده اجتناب‌شناختی پایین و نمره بالاتر به معنای اجتناب‌شناختی بالا است. ضریب پایایی این مقیاس بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ گزارش شده است (سکستون و داگاس، ۲۰۰۸). همچنین در ایران ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۶ به دست آمده است. روایی همگرا مقیاس از طریق ضریب همبستگی با سیاهه فرونشانی فکر خرس سفید^۲ برابر با ۰/۴۸ به دست آمد که در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار است. بنابراین یافته‌ها نشان می‌دهند که این مقیاس از ویژگی روانسنجی مطلوبی برخوردار است (محمود علی‌لو، شاه‌جویی و هاشمی، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز ضریب پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۶ به دست آمد.

مقیاس باور فراشناختی ولز^۳: نسخه اولیه مقیاس باورهای فراشناختی ولز که دارای ۶۵ ماده بود توسط کارت رایت هاتون^۴ و ولز (۱۹۹۷) برای سنجش باور شناختی افراد ساخته شد. با توجه به زیاد بودن تعداد ماده‌ها، در سال ۲۰۰۴ نسخه ۳۰ ماده‌ای این پرسشنامه

1. Cognitive Avoid Questionair.

2. White Bear Thought Suppression Inventory.

3. MCQ.

4. Cartwright-Hatton, S.

توسط ولز و کارت رایت هاتون ساخته شد. فرم کوتاه با نام باورهای فراشناختی ولز ۳۰ شناخته می‌شود. این مقیاس همانند فرم اصلی دارای ۵ زیرمقیاس مهار ناپذیری و خطر (۱۸-۱۵-۱۴-۱۱-۹-۷-۶-۴-۱)، باور مثبت درباره نگرانی (۲۹-۲۷-۲۳-۲۰-۱۰)، خود آگاهی (۲۸-۲۴-۱۶-۱۳-۱۲-۵-۳)، اطمینان شناختی (۳۰-۲۶-۸-۲) و نیاز به کنترل فکر (۲۵-۲۱-۱۹-۱۷) است و برای به دست آوردن نمره کل، نمرات زیرمقیاس‌ها با هم جمع می‌شود. این مقیاس در یک طیف چهار درجه‌ای از موافق نیستم تا خیلی موافقم نمره گذاری می‌شود. دامنه نمرات مقیاس بین ۳۰ تا ۱۲۰ خواهد بود. نمره بالاتر نشان دهنده باور فراشناختی بالا و نمره کم به معنای باور فراشناختی پایین است. در نسخه اصلی این مقیاس همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۹۳ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین پایایی بازآزمون این مقیاس در فاصله چهار هفته ۰/۷۵ و برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۵۹ تا ۰/۸۷ به دست آمد (ولز و کارت رایت هاتون، ۲۰۰۴). در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین همسانی درونی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمد و برای زیرمقیاس بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۳ به دست آمد (شیرین زاده دستگیری، گودرزی، غنی زاده، تقوی، ۱۳۸۷). همچنین در این پژوهش، ضریب پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد. لازم به ذکر است که در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از نمره کل باور فراشناختی استفاده شده است.

مقیاس طلاق عاطفی: مقیاس طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این مقیاس در سال ۲۰۰۸ توسط گاتمن برای سنجش طلاق عاطفی ساخته شده است. این مقیاس ۲۴ سوال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. دامنه نمرات مقیاس بین ۰ تا ۲۴ خواهد بود. نمره بالاتر نشان دهنده طلاق عاطفی بالا و نمره پایین به معنای طلاق عاطفی پایین در بین افراد است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس

بالای ۷۰٪ گزارش شده است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد (مامی و عسگری، ۱۳۹۲). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

داده‌های پژوهش با آزمون t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

در گام اول تحلیل داده‌ها، آماره‌های توصیفی مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی (واپس‌زنی افکار، جانشینی افکار، حواس‌پرتی، اجتناب از موقعیت‌ها و تبدیل تصور به فکر)، باور فراشناختی و طلاق عاطفی محاسبه شده و در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه نمونه	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
واپس‌زنی افکار	مرد	۶۰	۱۶/۱۳	۵/۵۳
	زن	۶۰	۱۵/۰۸	۵/۷۷
جانشینی افکار	کل	۱۲۰	۱۵/۶۰	۵/۶۵
	مرد	۶۰	۱۴/۵۳	۴/۷۴
حواس‌پرتی	زن	۶۰	۱۴/۹۰	۵/۳۸
	کل	۱۲۰	۱۴/۷۱	۵/۰۵
	مرد	۶۰	۱۴/۶۳	۵/۱۲
	زن	۶۰	۱۵/۲۸	۵/۳۲

متغیرها	گروه نمونه	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
	کل	۱۲۰	۱۴/۹۵	۵/۲۱
	مرد	۶۰	۱۳/۸۱	۳/۹۲
اجتناب از موقعیت‌ها	زن	۶۰	۱۴/۳۰	۴/۷۳
	کل	۱۲۰	۱۴/۰۵	۴/۳۳
	مرد	۶۰	۱۳/۷۳	۴/۲۱
تبدیل تصور به فکر	زن	۶۰	۱۴/۲۵	۵/۰۰
	کل	۱۲۰	۱۳/۹۹	۴/۶۱
	مرد	۶۰	۹۲/۸۸	۱۹/۰۳
باور فراشناختی	زن	۶۰	۹۲/۰۸	۱۸/۲۳
	کل	۱۲۰	۹۲/۴۸	۱۸/۵۶
	مرد	۶۰	۱۴/۹۶	۴/۲۴
طلاق عاطفی	زن	۶۰	۱۵/۴۶	۵/۰۹
	کل	۱۲۰	۱۵/۲۱	۴/۶۷

پس از تأیید همگنی واریانس‌ها با استفاده از نتایج آزمون لوین، برای بررسی اثر جنس بر طلاق عاطفی همسران از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: آزمون t مستقل برای بررسی اثر جنس بر طلاق عاطفی همسران

متغیر	درجه‌ی آزادی	t	Sig
طلاق عاطفی	۱۱۸	-۰/۵۸۴	۰/۵۶۰

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ($r = -0/58$ ، $p > 0/05$)، می‌توان نتیجه گرفت که بین طلاق عاطفی مردان و زنان تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. در گام سوم تحلیل داده‌ها، برای بررسی رابطه‌ی بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی (واپس‌زنی افکار، جانشینی افکار، حواس‌پرتی، اجتناب از موقعیت‌ها و تبدیل تصور به فکر) و باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران

متغیرها	r	Sig
واپس‌زنی افکار	۰/۵۴	۰/۰۱
جانشینی افکار	۰/۶۲	۰/۰۱
حواس‌پرتی	۰/۵۹	۰/۰۱
اجتناب از موقعیت‌ها	۰/۷۱	۰/۰۱
تبدیل تصور به فکر	۰/۷۲	۰/۰۱
باور فراشناختی	۰/۳۶	۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین مؤلفه‌ی واپس‌زنی افکار با طلاق عاطفی ($r = 0/54$ ، $p < 0/01$)، بین مؤلفه‌ی جانشینی افکار با طلاق عاطفی ($p < 0/01$)، بین مؤلفه‌ی حواس‌پرتی با طلاق عاطفی ($r = 0/62$ ، $p < 0/01$)، بین مؤلفه‌ی اجتناب از موقعیت‌ها با طلاق عاطفی ($r = 0/59$ ، $p < 0/01$)، بین مؤلفه‌ی تبدیل تصور به فکر با طلاق عاطفی ($r = 0/71$ ، $p < 0/01$) و بین باور فراشناختی با طلاق عاطفی ($r = 0/72$ ، $p < 0/01$)، رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. ($r = 0/36$)

در گام آخر تحلیل داده‌ها، برای پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران براساس مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان جهت پیش‌بینی طلاق عاطفی همسران

مدل	R	R ²	R تعدیل شده	F	Sig
۱	۰/۸۲	۰/۶۸	۰/۶۶	۳۹/۷۲	۰/۰۰۱

ضرایب بتا و آزمون معناداری t برای متغیرهای پیش‌بین						
متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	STE	β	T	Sig
طلاق عاطفی	واپس‌زنی افکار	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۱۶	۲/۳۶	۰/۰۲۰
	جاننشینی افکار	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۱۷	۲/۲۰	۰/۰۳۰
	حواس‌پرتی	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۵	۲/۰۹	۰/۰۳۸
	اجتناب از موقعیت	۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۱۷	۱/۷۹	۰/۰۷۶
	تبدیل تصور به فکر	۰/۳۰	۰/۰۹	۰/۳۰	۳/۲۷	۰/۰۰۱
	باور فراشناختی	۰/۰۴	۰/۰۱۴	۰/۱۶	۲/۹۴	۰/۰۰۴

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تقریباً ۰/۶۸ از واریانس طلاق عاطفی در همسران براساس مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی قابل پیش‌بینی است. نسبت F نیز بیانگر این است که رگرسیون طلاق عاطفی براساس مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی معنادار می‌باشد. با توجه به ضرایب بتا، از بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی مؤلفه‌ی واپس‌زنی با بتای ۰/۱۶، مؤلفه‌ی جاننشینی افکار با بتای ۰/۱۷، مؤلفه‌ی حواس‌پرتی با بتای ۰/۱۵، مؤلفه‌ی تبدیل تصور به فکر با بتای ۰/۳۰ و متغیر دیگر پژوهش باور فراشناختی با بتای ۰/۱۶ به طور مثبت معناداری می‌توانند طلاق عاطفی در همسران را پیش‌بینی کنند. با توجه به بتاهای به دست آمده، می‌توان گفت که مؤلفه‌ی تبدیل تصور به فکر از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران انجام پذیرفت. قسمت اول نتایج نشان داد بین طلاق عاطفی

زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. اما قسمت دیگر نتایج نشان داد بین مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی (واپس زنی افکار، جانشینی افکار، حواس پرتی، اجتناب از موقعیت‌ها، تبدیل تصور به فکر) با طلاق عاطفی همسران رابطه مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی نقش اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی را در طلاق عاطفی همسران بررسی نکرده است، امکان بررسی همسویی و عدم همسویی میسر نشد. در خصوص تبیین نتیجه به دست آمده، می‌توان بیان نمود که براساس نظر بوهانان (۱۹۷۰)، به نقل از اولسن و دفراین^۱، (۲۰۰۶)، طلاق عاطفی بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می‌شود، که در آن هریک از زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد. طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هریک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (لاور و لاور^۲، ۲۰۰۷). طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد دارد، اگرچه این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است (لعل زاده و همکاران، ۱۳۹۴). عوامل مختلفی می‌تواند در طلاق عاطفی موثر باشد. متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی را دارند (پروین، داودی و محمدی، ۱۳۹۰). انواع راهبردهای اجتناب‌شناختی از جمله فرونشانی فکر، جانشینی فکر، حواس پرتی، اجتناب از موقعیت‌ها و تبدیل تصور به فکر توسط محققین مختلف گزارش شده است. در تمامی این راهبردها عامل اصلی انحراف ذهن از موضوع نگران

1. Olson, H., & Defrain, J.

2. Laur, R.H. & Laur, J.C.

کننده به سوی موضوع‌های دیگر است موضوعاتی که می‌تواند گاهی نگران کننده تر از موضوع از اولیه باشد. این محققین گزارش می‌کنند که فرونشانی فکر و اجتناب از موقعیت‌ها منجر به محو کامل افکار نگران کننده نمی‌شود بلکه زمینه نشخوار ذهنی آزار دهنده را ایجاد می‌کند (بساک نژاد، معینی و مهربانی زاده، ۱۳۸۹). با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، همسرانی که اجتناب شناختی بالاتری را گزارش کردند مستعد طلاق عاطفی بودند، در مقابل همسرانی که در مؤلفه‌های اجتناب شناختی نمره کمتری گرفتند، مستعد طلاق عاطفی نبودند. اجتناب شناختی شامل سرکوب افکار ناخوشایند و یا خاطرات از طریق دور کردن آنها از ذهن، حواس پرتی، اجتناب از موقعیت‌ها و تبدیل تصور به فکر است که با هدف انحراف ذهن از موضوع نگران کننده صورت می‌گیرد. تلاش زیاد برای سرکوب افکار باعث تولید اثر متناقض می‌شود و هر چقدر فرد تلاش بیشتری برای سرکوب افکار انجام می‌دهد چرخه معیوبی شکل می‌گیرد و منجر به افزایش وقوع افکار نگران کننده می‌گردد (فهم و مارگراف^۱، ۲۰۰۲، به نقل از محمود زاده و محمد خانی، ۱۳۹۵) و زمینه را برای بروز طلاق عاطفی آماده می‌کند. داگاس و بوهر^۲ (۲۰۰۴) معتقدند که افراد با اختلال اضطرابی سطح بالایی از اجتناب شناختی را تجربه می‌کنند و اجتناب شناختی در بروز اضطراب فراگیر نیز نقش اساسی دارد (داگاس و رابی چاوود، ۲۰۰۷). همسرانی که اجتناب شناختی در آنها بالا باشد بیشتر امکان دارد به اختلال اضطراب فراگیر دچار شوند. یافته‌های هولوی و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد افرادی که اجتناب شناختی در آنها بالا باشد، مستعد اختلالات روانی خواهند بود. علاوه بر این نقش اجتناب شناختی در بروز اختلالات روانی را ثابت شده است (سکستون و داگاس، ۲۰۰۹). برقی ایرانی، محمدی، بگیان و بختی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بین اجتناب شناختی و اضطراب اجتماعی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یعنی هر چه قدر اجتناب شناختی در همسران بالا باشد اضطراب اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

1. Fehm L., & Margraf J.
2. Dugas, M.J. & Buhr, k.

یافته‌های تحقیق دیگری، اهمیت اجتناب‌شناختی و طلاق عاطفی را در امید به زندگی همسران نشان داده است. صدری دمیچی و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که هرچه قدر طلاق عاطفی و اجتناب‌شناختی در بین همسران بیشتر باشد، امید به زندگی آنان کاهش می‌یابد. یعنی رابطه منفی معناداری بین اجتناب‌شناختی و طلاق عاطفی با امید به زندگی همسران وجود دارد. از آنجایی که امید به زندگی نقش مهمی را در روابط همسران دارد، طلاق عاطفی و اجتناب‌شناختی باعث کاهش امید به زندگی می‌شود. در پژوهش حاضر نیز همان‌طور که ذکر شد، اجتناب‌شناختی با طلاق عاطفی همسران رابطه مثبت معناداری دارد. تمامی این تحقیقات اهمیت طلاق عاطفی و اجتناب‌شناختی را در زندگی همسران اثبات می‌کند. همسرانی که در حل مسائل زندگی از راهبردهای اجتناب‌شناختی استفاده می‌کنند، احتمال دچار شدن به طلاق عاطفی و انواع اختلالات روانی از جمله اضطراب را بیشتر از همسران دیگر دارند. انواع راهبردهای اجتناب‌شناختی مانند واپس‌زنی افکار، جانشینی افکار و اجتناب از موقعیت‌ها در ظاهر کلمه مؤلفه‌های مثبتی به نظر می‌رسند اما در عمل باعث تضعیف عملکرد افراد می‌شوند. در مجموع، بر اساس نتایج این پژوهش و تحقیقات دیگر می‌توان نتیجه گرفت که، استفاده نکردن از راهبردهای اجتناب‌شناختی باعث کاهش طلاق عاطفی همسران خواهد شد.

متغیر دیگر پژوهش باور فراشناختی بود. نتایج نشان داد بین باور فراشناختی با طلاق عاطفی همسران رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همسرانی که باور فراشناختی در آنها بالا بود، مستعد طلاق عاطفی بودند، اما همسرانی که باور فراشناختی کمی گزارش دادند، مستعد طلاق عاطفی نبودند. این به معنای آن است که، هرچه قدر باور فراشناختی بالا باشد، طلاق عاطفی افزایش و هرچه قدر باور فراشناختی کم باشد، طلاق عاطفی همسران کاهش می‌یابد. بیشتر فعالیت‌های شناختی به عوامل فراشناختی بستگی دارند که بر آن‌ها نظارت و کنترل دارند (ولز، ۲۰۰۹). علاوه بر این، فراشناخت به

فکر کردن به تفکر خود (افکلایدز^۱، ۲۰۰۶) و آگاهی و نظارت بر یک افکار (ایسکالا، ۲۰۱۱) تعریف شده است. نتایج تحقیقات نشان داده است که باور فراشناختی در کاهش رضایت از زندگی همسران نقش مهمی دارد و با آموزش فراشناخت درمانی می‌توان رضایت از زندگی همسران را افزایش داد. فیشر^۲ و ولز^۳ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که فراشناخت نقش تاثیرگزار در بهبود و یا کاهش روابط همسران دارد. همسرانی که از راهبردهای فراشناختی استفاده می‌کنند رابطه‌ی زناشویی مناسب‌تری نخواهند داشت. نتایج تحقیق ون در هیدن، موریس و ون در مولن^۳ (۲۰۱۲) نشان داد، آموزش فراشناخت درمانی به همسران، باعث بهبود رضایت زناشویی آنها می‌شود. در ایران نتایج تحقیق عاشوری، وکیلی، بن سعید و نوری (۱۳۸۸) نشان داد که باورهای فراشناختی از عوامل موثر در وضعیت سلامت روانی هستند. افرادی که باور فراشناختی در آنها بالاست، از سلامت روانی مناسبی برخوردار نیستند. نتایج تحقیق عاشوری، خالقی و صفاریان (۱۳۹۳) با عنوان بررسی تأثیر فراشناخت درمانی بر میزان رضایت زناشویی نشان داد که فراشناخت درمانی بر میزان رضایت زناشویی موثر است. همسرانی که باور فراشناختی در آنها بالا باشد از رضایت زندگی بالاتری برخوردار خواهند بود. براساس نتایج پژوهش حاضر، استفاده از راهبردهای فراشناختی با طلاق عاطفی همسران، همراه خواهد بود. همسرانی که از راهبردهای فراشناختی استفاده می‌کنند از وضع زندگی خود راضی نبوده و بیشتر احتمال دارد دچار طلاق عاطفی شوند. در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از راهبردهای فراشناختی نقش مهمی در افزایش طلاق عاطفی و کاهش رضایت زناشویی همسران دارد.

در نهایت قسمت آخر نتایج نشان داد که مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی در مجموع ۰/۶۸ از واریانس طلاق عاطفی را در همسران پیش بینی

1. Efklides, A.

2. Fisher, P. L.

3. Van der Heiden, C., Muris, P. T., & Van der Molen, H.

می‌کنند. در نتیجه می‌توان بیان نمود که مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی در زمره متغیرهای مرتبط با طلاق عاطفی همسران بودند و توانایی پیش‌بینی آن را دارند. همسرانی که از راهبردهای اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی استفاده می‌کنند در برخورد با مشکلات به جای استفاده از گفت و گو و تشریک مساعی در حل مشکلات بیشتر به شیوه‌های اجتنابی متوسل می‌شوند که در نهایت این راهبردها فرد را به سمت سکوت، فاصله گرفتن و طلاق عاطفی سوق می‌دهند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که، اجتناب‌شناختی و باور فراشناختی از عوامل تاثیرگذار در طلاق عاطفی همسران است. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پیشگیری از طلاق عاطفی همسران به کار بست.

استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و محدود بودن به همسران شهراردبیل از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات دیگر از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره گرفته و همچنین در دیگر شهرها انجام گیرد، تا تعمیم نتایج با اطمینان بیشتری امکان پذیر باشد. از سوی دیگر، این پژوهش از نوع همبستگی است و تفسیر علی داده‌ها امکان پذیر نیست. در صورت امکان، انجام پژوهش‌های آزمایشی برای بررسی علیت متغیرها پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود در مراکز مشاوره، کارگاه‌های قبل و بعد ازدواج و همچنین بر روی همسرانی که مشکل طلاق عاطفی دارند یا متقاضی طلاق هستند، با آموزش‌های غلبه بر راهبردهای اجتناب و باور فراشناختی، به آنها در کاهش طلاق عاطفی کمک کرد.

منابع

- اشرفی، ف. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی طلاق عاطفی - مطالعه موردی منطقه ۶ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- باستانی، س؛ گلزاری، م؛ روشنی، ش. (۱۳۸۹). بررسی علل و سبب شناسی طلاق هیجانی، فصل‌نامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، ۱-۲۰.

- برقی ایرانی، ز؛ محمدی، ا؛ بگیان کوله مرز، محمد؛ بختی، م. (۱۳۹۴). نقش اجتناب‌شناختی و تعلق‌ورزی تصمیم‌گیری در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۴ (۱۶)، ۱۷-۳۷.
- بساک نژاد، س؛ معینی، ن؛ مهربانی زاده هنرمند. (۱۳۸۹). رابطه پردازش پس‌رویدادی و اجتناب‌شناختی با اضطراب اجتماعی در دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*، ۴ (۴)، ۳۳۵-۳۴۰.
- بیات مختاری، ث. (۱۳۹۲). اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش طلاق عاطفی و پیامدهای روان‌شناختی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پروین، س؛ داودی، م؛ محمدی، ف. (۱۳۹۰). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۴ (۴)، ۱۱۹-۱۵۳.
- جاویدانی، ن. (۱۳۹۳). بررسی علل طلاق از سوی زنان متقاضی طلاق در شهر همدان. *فصل‌نامه مطالعات پلیس زن*، ۸ (۲۰)، ۶۳-۸۴.
- دلاور، ع. (۱۳۸۰). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. چاپ اول. تهران، انتشارات رشد.
- رضایی، ح؛ محسنی تک‌لو، م؛ رضاپور میرصالح، ی؛ سعد الهی، ع؛ قربانی، ر. (۱۳۹۳). نقش باورهای فراشناخت در پیش‌بینی میزان اضطراب و شدت لکنت افراد دارای لکنت. *کومش*، ۱۶، ۱۴-۲۲ (۵۳).
- شیرین زاده دستگیری، ص؛ گودرزی، م؛ غنی زاده، ا؛ تقوی، م. (۱۳۸۷). بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار پرسشنامه فراشناخت ۳. *مجله روان‌شناسی*، ۱۲ (۴)، ۴۴۵-۴۶۱.
- صدری دمیرچی، ا؛ صمدی فرد، ح. ر؛ دریادل، س. ج؛ حیدری راد، ح؛ تقی‌پور، ب. (۱۳۹۵). رابطه مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و طلاق عاطفی با امید به زندگی همسران. *کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم*، دانشگاه شیراز.
- صمدی فرد، ح. ر. (۱۳۹۴). رابطه مزاج‌های عاطفی و طلاق عاطفی با کیفیت زندگی همسران. *دومین کنگره بین‌المللی روان‌شناسی و سبک زندگی*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- عاشوری، ا؛ وکیلی، ی؛ بن‌سعید، س؛ نوعی، ز. (۱۳۸۸). باورهای فراشناختی و سلامت عمومی در دانشجویان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۴۱)، ۱۵-۲۰.
- عاشوری، ح؛ خالقی دهنوی، ف؛ صفاریان، م. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فراشناخت درمانی بر میزان رضایت زناشویی زنان. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۶ (۲۴)، ۵۳-۶۵.
- گاتمن، ج. (۲۰۰۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه: جزایری، ا. (۱۳۸۸). تهران، انتشارات

خجسته. ۱۸۰-۱۸۲.

- لعل زاده کند کلی، ا؛ اصغری ابراهیم آباد، م؛ حصار سرخی، ر. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۷، ۲، (۲۲)، ۱۰۱-۱۰۸.
- مامی، ش؛ عسگری، م. (۱۳۹۳). نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. *همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز.
- محمد خانی، ش؛ فرجاد، م. (۱۳۸۸). رابطه باورهای فراشناختی و راهبردهای کنترل فکری با علائم و سواس در جمعیت بالینی. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۱، (۳)، ۳۵-۵۱.
- محمود زاده، ر؛ محمد خانی، ش. (۱۳۹۵). نقش میانجی اضطراب و اجتناب‌شناختی در رابطه بین کمال منفی و اهمال کاری. *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۴، (۳۳)، ۷۳-۹۴.
- محمود علی لو، م؛ شاه جوویی، ت؛ هاشمی، ز. (۱۳۸۹). مقایسه عدم تحمل بلا تکلیفی، اجتناب‌شناختی، جهت‌گیری منفی به مشکل و باورهای مثبت در مورد نگرانی بین بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر و افراد عادی. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۵، (۲).
- مختاری، س؛ خسروی، ص؛ نجات بخش، ع. (۱۳۹۴). مقایسه عدم تحمل بلا تکلیفی، نگرانی، اجتناب‌شناختی و جهت‌گیری منفی به مشکل، در افراد مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر، اختلال افسردگی اساسی و افراد عادی. *مجله علوم رفتاری*، ۱۳، (۲)، ۱۸۸-۲۰۲.
- هنریان، م؛ یونسی، ج. (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده‌های تهران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱، (۳)، ۱۲۵-۱۵۳.
- یوسفی، ن؛ سهرابی، ا. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی رویکردهای خانواده درمانی مبتنی بر حضور ذهن و فراشناخت بر کیفیت روابط زناشویی در مراجعان در آستانه طلاق. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، (۲)، ۱۹۲-۲۱۱.
- Ang, S. & Yaohui, Z. (2015). Divorce, abortion, and the child sex ratio: The impact of divorce reform in China. *Journal of Development Economics*, 120, 53-69.
- Christopher, J.A., James C.D. & Amato, P. (2014). Divorce, approaches to learning, and children's academic achievement: A longitudinal analysis of mediated and moderated effects. *Journal of school Psychology*, 52, 249-261.
- Danahy, L. & Stopa, L. (2010). Post event processing in social anxiety. *Behav Res Ther*, 45(5), 12-19.
- Dugas, M.J. & Robichaud, M. (2007). Cognitive-behavioral Treatment for Generalized Anxiety Disorder. *From Science to Practice*, New York, Rutledge.
- Dugas, M.J., Buhr, K., Ladouceur, R., Heimberg, C.L. & Mennin, D.S. (2004). The Role of Intolerance of Uncertainty in Etiology and Maintenance. Generalized Anxiety Disorder. *Advances in Research and Practice*, 143-163.

- Dyrenforth, P.S., Kahsy, D.A., Donnellan, M.B. & Lucas, R.E. (2010). Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries the relative importance of actor, partner and similarity effects. *Journal of personality and social psychology*, 99 (4), 690-702.
- Efklides, A. (2006). Metacognition and affect, what can metacognitive experiences tell us about the learning process? *Educational Research*, 1 (1), 3-14.
- Eisenhower, A.S., Baker, B.L. & Blacher, J. (2005). Preschool children with intellectual disability, Syndrome specificity, behavior problems and mental well-being. *Journal of Intellectual Disability Research*, 49 (7), 57-71.
- Fehm L., & Margraf J. (2002). Thought suppression: specificity in agrophobia versus broad impairment in social phobia? *Behav Res Ther*, 40, 57-66.
- Fisher, P. L., & Wells, A. (2008), Metacognitive therapy for obsessive-compulsive disorder: A case series. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 39 (2), 117-132.
- Foa, A.P., Franklin, M.E. & Perry, K.J. (1996). Cognitive biases in generalized social phobia. *Journal of Abnorm Psycho*, 105 (14), 433-439.
- Haddadi Barzoki, M., Tavakoll, M. & Burrage, H. (2015). Rational-Emotional Divorce in Iran .Findings of Qualitative Research on Women with Marital Dissatisfaction. *Applied Research Quality Life*, 10, 107-122
- Helen, N., Steffen M. & Reinhard, P. (2013). Responsibility, metacognition and unrealistic pessimism in obsessive-compulsive disorder. *Journal of obsessive-compulsive and related disorders*, 2, 119-129.
- Holaway, R.M., Heimberg, R.G. & Coles, M.E. (2006). A Comparison of Intolerance of Uncertainty in Analogue Obsessive-compulsive Disorder and Generalized Anxiety Disorder, *Journal of Anxiety Disorders*, 20, 158-174.
- Iiskala, T., Vauras, M., Lehtinen, E., & Salonen, P. (2011). Socially shared metacognition of dyads of pupils in collaborative mathematical problem-solving processes. *Learning and Instruction*, 21 (3), 379-393.
- Jared, O., Giancarlo, D., Raffaele, P, Kelly. B, Kelly, A. & et al. (2016). Metacognition moderates the relationship of disturbances in attachment with severity of borderline personality disorder among persons in treatment of substance use disorders. *Comprehensive psychiatry*, 64, 22-28.
- Kelsey, S., Dickson, J. & Laura, C. (2012). Rumination, Worry, Cognitive Avoidance, and Behavioral Avoidance: Examination of Temporal Effects. *Behavior therapy*, 43, 629-640.
- Laur, R.H. & Laur, J.C. (2007). *Marriage & family: the Quest for intimacy*, New York, McGraw Hill.
- Martinez, M.E., (2006). What is metacognition? *Phi delta Kappan, Bloomington*, 16(87), 696-700.
- Morrison, A. P., & Wells, A. (2003). A comparison of metacognitions in patients

- with hallucinations, delusions, panic disorder, and non-patient controls. *Behaviour Research and Therapy*, 41, 251-256.
- Musai, M. (2011). The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1 (2).
 - Olson, H., & Defrain, J. (2006) marriage and families, New York: McGraw Hill.
 - Rostami, M., Taheri, A, Abdi, M. & Kermani, N. (2014). The Effectiveness of Instructing Emotion-focused Approach in Improving The marital Satisfaction in Couples. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114, 693 – 698.
 - Sexton K.A. & Dugas M.J. (2008).The cognitive avoidance questionnaire, Validation of the English translation. *Journal of Anxi Disord*, 22, 335-370.
 - Sexton, K.A., & Dugas, M. (2009). An Investigation of Factors Associated with Cognitive Avoidance in Worry. *Cognitive Therapy and Research*, 33 (2), 150-162.
 - Shahar, B. & Herr, N.R. (2011). Depressive symptoms predict inflexibly high levels of experiential avoidance in response to daily negative affect: A daily diary study. *Behav Res Ther*, 49(10), 676-81.
 - Valizade, M., Hasanvandi, S., Mehrabizade Honarmand, M., & Afkar, A. (2013), Effectiveness of group metacognitive therapy for students metacognitive beliefs and anxiety. *Social and Behavioral Sciences*, 84, 1555-1558.
 - Van der Heiden, C., Muris, P. T., & Van der Molen, H. (2012), Randomized controlled trial on the effectiveness of metacognitive therapy and intolerance-of-uncertainty therapy for generalized anxiety disorder. *Behavior Research & Therapy*, 50 (2), 100-119.
 - Vohs, J.L., Lysaker, P.G., Francis, M.M., Hamm, J., Buck, K.D. & et al. (2014). Metacognition, social cognition, and symptoms in patients with first episode and prolonged psychoses. *Schizophrenia Research*, 153, 54-59.
 - Wells, A. & Cartwright-Hatton, S. (2004). A short form of the metacognitions questionnaire: Properties of the MCQ-30. *Behaviour research and therapy*, 42 (4), 385-396.
 - Wells, A. (2009). Meta-cognitive therapy for anxiety and depression. New York: Guilford Press, 58 (3), 81-86.